

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علت گزینش گزینه های مورد نظر

آزمون نحو عربی 3 بهمن 88

1. در کدام گزینه ترکیب اضافه لفظی به کار نرفته است؟

(الف) (وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارْكُوا إِلَهَيْنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ) (صافات/36)

(ب) (إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ) (دخان/15)

(ج) (هَذَا يَوْمُ الْقُصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ) (صافات/21)

(د) (سَيَصْلَى نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ) (مسد/43)

در اضافه لفظی ، اضافه تنها جنبه ظاهری دارد و مضاف تعلق و نسبت حقیقی به مضاف الیه ندارد . ولی در اضافه معنوی نسبت و تعلق واقعی بین مضاف و مضاف الیه ملاحظه می شود. مانند گزینه "ج". در اضافه لفظی اشتغال بر نوعی معنای وصفی است. مثلاً در گزینه "د" کاشفوا العذاب اضافه معنوی است زیرا کاشفوا بر معنای وصفی دلالت دارد و کاشف بر وزن فاعل است. در اضافه لفظی تنها به خاطر تخفیف است.

2. کدام گزینه، اضافه معنوی اختصاصیه است؟

(الف) (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ * إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى) (حجر/ 31 . 30) بیانیه

(ب) (قَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ) (غافر/ 64)

(ج) (سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَازِينَ أَيَّامٍ) (حاقه/ 7) اضافه بیانیه

(د) (تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ) (انفال/ 67) اضافه ظرفیه

اضافه اختصاصیه یا لامیه : یعنی اضافه ای که بیانگر اختصاص یا ملکیت است و حرف جر مقدر بین مضاف و مضافه الیه حرف "لِ" است مانند " کتاب علی " (کتاب لعلی)

گزینه ب رب العالمین یعنی ربُّ للعالمین .

3. در کدام گزینه، اضافه معنوی بیانیه وجود دارد؟

(الف) (تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ) (انفال/ 67) اضافه ظرفیه

(ب) (وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ يَذْنُوبَ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا) (اسراء/ 17) اضافه اختصاصیه

(ج) (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى) (حجر/ 30 و 31)

(د) (إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّنْ يَخْشَاهَا) (نازعات/ 45) اختصاصیه

از انواع اضافه معنوی اضافه بیانیه است که میان مضاف و مضاف الیه آن حرف جر " من " در تقدیر است آنچه در جمله مورد ابهام است آن را برطرف می کند در گزینه "ج" تعداد ملائکه در ابهام بوده که بوسیله **کلهم** رفع ابهام شده است.

4. کدام گزینه، صحیح نیست؟

الف) الفاطمة الزهراء

ب) عَبَاءَةُ طَالِبَةِ كَلْبَةٍ عُلُومِ الْحَدِيثِ

ج) وَطَنُنَا أِيرَانُ

د) أِيرَانُنَا الْعَزِيزَةُ

فاطمه اسم علم است و ال تعریف نمی گیرد.

5. در کدام گزینه، مضاف الیه به صورت جمله به کار رفته است؟

الف) (صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) (حمد/7) بصورت اسم

ب) (وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا) (فجر/ 22) اسم

ج) (الَّذِي يُوسُّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ) (ناس/ 5) اسم

د) (قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) (حجر/ 36)

یبعثون جمله است . هر گاه فعلی به همراه دیگر متعلقات آن در نظر گرفته شود می تواند در مقام مضاف الیه به کار رود.

6. در کدام گزینه، مضاف الیه، صفت گرفته است؟

الف) (وَ لَقَدْ قَتَلْنَا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ) (دخان/ 17و 18)

ب) (وَ لَا تُطْعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ) (قلم/ 10)

ج) (فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ) (شعراء/ 189)

د) (وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا) (فجر/ 22)

در این ترکیبها ترتیب ذکر کلمات دقیقاً با ترتیب آنها در زبان فارسی برابر است مانند زهرة الحديقة الجميلة که در آن واژه الجميله صفت الحديقة است. در گزینه "ب" حلاف مضاف الیه و مهين صفت آن است .

7. در کدام گزینه، اسم دائم اضافه به کار رفته است؟

الف) (وَ مِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَ يَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَابِرَ) (توبه/ 98)

ب) (تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) (جاثیه/ 2)

ج) (وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ) (جاثیه/ 7)

د) (وَ لَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِضًى وَ لَا يَرْجِعُونَ) (یس/ 67)

اسمهای دائم اضافه به مفرد : جهات شش گانه ، واژه های " قبل ، بعد ، کل و بعض " در گزینه ج واژه **کل** وجود دارد.

8. در کدام گزینه، مضاف حذف شده است؟

الف) (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا ابْنُ سَاطَانَ) (حجر/31)

ب) (سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ) (حاقة/ 7)

ج) (ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ) (غافر/ 64)

د) (وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا) (فجر/ 22)

مضاف (یعنی) امر حذف شده است. نکته: مضاف باید اسم باشد و جاء بعلت اینکه فعل است نمی تواند مضاف باشد.

9. در کدام گزینه، مضاف الیه، جمله است؟

الف) (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ) (نمل/ 62)

ب) (الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ) (ناس/ 5)

ج) (وَلَا أَنْتُمْ عَائِدُونَ مَا أَعْبُدُ * لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ) (کافرون/ 6 . 5)

د) (قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ) (یوسف/ 75)

اذا از اسمهای دائم الاضافه به جمله است. در گزینه " الف " دعاه جمله است.

10. کدام گزینه، ترکیب اضافه صفت به موصوف است

الف) (كِبَارُ الذُّنُوبِ)

ب) (رَجَالُ الْعِلْمِ) (مضاف و مضاف الیه)

ج) (عُلَمَاءُ الْعَرَبِيَّةِ)

د) (كَمَالُ الدِّينِ)

کبار از مشتقات است و صفت است و ذنوب موصوف است یعنی به نوعی اضافه لفظی است و در اصل الذنوب الکبار بوده است. بقیه گزینه ها مضاف و مضاف الیه معنوی است.

11. در کدام گزینه، معمول مضاف در اضافه لفظی، مفعول به نیست؟

الف) (مُخْزَى الْكَافِرِينَ)

ب) (حَسَنُ الْخَلْقِ)

ج) (مُهْلِكُوهَا)

د) (قَالِقُ الْحَبِّ)

ترکیب حسن الخلق ترکیب اضافه معنوی است زیرا واژه " حسن " که عامل نحوی است به واژه " الخلق " که معمول نحوی آن است اضافه شده است " حسن " صفت مشبیه است که نیازمند فاعل است و می تواند عامل رفع اسم پس از خود در مقام فاعل باشد واژه " الخلق " نیز معمول آن و در حقیقت فاعل به شمار می رود که ظاهراً مجرور شده است.

11. کدام گزینه، صحیح نیست؟

الف) (مُقَاتِلُونَ الْوَطَنُ الْإِيمَانِ)

ب) (الطَّالِبُ الْمُتَّقِنُ الْأَعْمَالِ فَائِزٌ)

بانت نمونه سؤالات درسی

www.vuhadithbank.ir

(ج) ذَهَبَ الْأَوْلَادُ الشَّرِيفُ النَّسَبِ

(د) أَلْمُعَلِّمُ الطَّاهِرُ الْقَلْبِ صَدِيقُنَا

تطابق مضاف با موصوف در اضافه لفظی : مضاف از نظر عدد و نوع ، از عدد و نوع موصوف مذکو یا محذوف پیروی می کند .

12. در کدام گزینه، مضافّ الیه صفت گرفته است؟

(الف) هَذَا كِتَابُ الرَّجُلِ الْعَالِمِ

(ب) رَأَيْتُ سَيَّارَةً أَيْىَ الْبَيْضَاءِ

(ج) جَامِعَتُنَا وَاحِدٌ مِنْ جَامِعَاتِ طَهْرَانَ الْكَثِيرَةِ

(د) زُرْتُ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامِ مَعَ أَصْدِقَائِي

الرجل مضاف الیه است که عالم صفت ان است.

13. مضاف در کدام ترکیب اضافی، معرفه است؟

(الف) مُجِيبُ الْخَيْرِ

(ب) مُنْصِفُ النَّاسِ

(ج) أَسْتَاذَةُ صَفْنَا

(د) خَامِلُ الذِّكْرِ

مضاف به وسیله ترکیب اضافه صَفْنَا معرفه شده است.

14. کدام حرف جرّ، همیشه بر معنای خاصی در جمله دلالت دارد، اما نیازمند متعلّقی نیست؟

(الف) يَ

(ب) لِ

(ج) مِنْ

(د) رَبَّ

رب گاه بر مفهوم تقلیل و گاه بر مفهوم تکثیر دلالت دارد . این امر به اراده متکلم و سیاق جمله ای بستگی دارد که حرف که رب در آن بکار رفته است.

15. در کدام گزینه، متعلّق جار و مجرور، فعل خصوص نیست؟

(الف) (إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ) (شعراء/ 212)

(ب) (لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) (یس/ 7)

(ج) (قُلِ الْأَنْقَالَ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ) (انفال/ 1)

(د) (نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ) (یوسف/ 3)

گزینه ج متعلق جار و مجرور از افعال عموم است **لله متعلق به افعال عموم کان** که به آن طرف مستقر می گویند که پیش از جار و مجرور در نظر گرفته می شود و پیش از جار و مجرور در نظر گرفته می شود و از نظر مفهومی تکمیل کننده معنای آن است

16. در کدام گزینه، حرف جرّ زائد به کار رفته است؟

الف) (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا) (اسراء/ 1)

ب) (فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا) (طه/ 86)

ج) (وَكَفَى يَاللّٰهُ وَلِيًّا وَكَفَى يَاللّٰهُ نَصِيرًا) (نساء/ 45)

د) (مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ) (ق/ 18)

معنای اصلی حرف جرّ **الی** انتهای غایت است **نکته** : **چهار حرف** از حروف جر در برخی موارد در مقام حروف جر زائد به کار می روند عبارتند از : **"ب" "من" "ل" و "ک"**

17. در کدام گزینه، حرف جرّ «ی» به معنای ظرفیت به کار رفته است؟

الف) (مَنْ جَاءَ يَأْتِ الْحَسَنَةَ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا) (انعام/ 160)

ب) (وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ) (مطفّفين/ 30)

ج) (وَامْسَحُوا بِرُؤُوسِكُمْ) (مائده/ 6)

د) (إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَخَرٍ) (قمر/ 34)

در برخی موارد در حقیقت تفاوتی میان به کار بردن حرف جرّ "ب" و حرف جرّ "فی" از نظر معنایی وجود ندارد و هر دو به یک معنای به کار میروند **مانند سحر یعنی فی سحر** است

18. در آیه مبارک (وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ) (بقره/ 198) مفهوم حرف جرّ «ك» کدام است؟

الف) مالکیت

ب) تعلیل

ج) تشبیه

د) تفخیم

اصلی ترین معنای حرف جرّ "ک" تشبیه است . معنای دیگری هم دارد که مهم ترین آنها تعلیل یا همان بیان علت است . در آیه بالا حرف جرّ "ک" مفهوم تعلیل دارد در این آیه پس از حرف جرّ "ک" **"ما" ی مصدریه** به کار رفته است بنابر این مفهوم آیه چنین است : " واذکروه لهدایته ایاکم " خدا را یاد کنید **چون** او شما راهدایت کرد.

19. در کدام آیه، حرف لام به معنای مالکیت یا اختصاص نیست؟

الف) (لِلّٰهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ) (بقره/ 284)

ب) (وَ أَرْزَلْتِ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ) (شعراء/ 90)

ج) (الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) (حمد/ 2)

د) (لِإِبِلَافٍ قُرَيْشٍ) (قریش/ 1)

لام جاره در اصل به معنای مالکیت یا اختصاص است اما در معنای دیگر نیز بکار می رود در **گزینه "د"** به معنای **تعلیل** است :

20. در کدام گزینه مفهوم ظرفیت نیست؟

الف) (وَ تَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ) (انبیاء/ 47)

ب) (أَفِمِ الصَّلَاةِ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ) (اسراء/78)

ج) (وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ) (شعراء/90)

د) (وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ) (قصص/44)

در گزینه "ج" ل جاره به معنای مالکیت و اختصاص است. و معنای ظرفیت ندارد. واژه "ازلفت" نیز از واژه "زلفی" به معنای "قرب" گرفته شده و به معنای نزدیک آورده شد "است بنابر این مفهوم آیه چینی است که بهشت برای پرهیزکاران نزدیک آورده می شود.

21. در آیه مبارک: (وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ) (انسان/21)، کدام گزینه در مورد حرف جرّ «مِنْ» صحیح است؟

الف) تعلیلیّه

ب) بیانیّه

ج) ابتدائیّه

د) تبعیضیه

سومین نوع از انواع اضافه معنوی اضافه بیانیّه است که میان مضاف و مضاف الیه آن حرف جرّ "مِنْ" در تقدیر است یکی از معانی مهم حرف جرّ من بیان مراد و مقصود سخنی است که پیش از آن به اجمال آمده و منظور از آن دقیقاً روشن نیست و "من" پرده از معنای مورد نظر بر میدارد.

22. در کدام گزینه، حرف جرّ «علی» به معنای استعلاء به کار رفته است؟

الف) (فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ) (بقره/252)

ب) (وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا) (هود/29)

ج) (أَقَمْنِ أَسْوَ بَنِيَّاهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسْوَ بَنِيَّاهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ) (نوبه/109)

د) (وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ) (مؤمنون/22)

معنای اصلی حرف جرّ "علی" استعلا و تفوق است اما در مفاهیم دیگر نیز بکار می رود. مانند مصاحبت - تعلیل - ظرفیت. در گزینه "ب" علی به معنای تعلیل است.

23. در کدام گزینه، حرف جرّ «فی» به معنای استعلاء به کار رفته است؟

الف) (قَالَتْ قَدْ لَبِئْتَ الَّذِي لُتْنِي فِيهِ) (یوسف/32)

ب) (قَرِّدُوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ) (ابراهیم/9)

ج) (فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ) (قصص/79)

د) (وَلَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ) (طه/71)

معنای اصلی حرف جرّ "فی" ظرفیت است اما گاهی به معانی دیگر : معیت - استعلا - انتهای غایت (الی) نیز بکار می رود. در گزینه "د" معنای فی استعلا و تفوق است. من شما را بر تنه درختان نخل خواهم آویخت. فی در حقیقت در معنای حرف جرّ "علی" به کار رفته است

24. در آیه مبارک (قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْحَنَنَّ نَادِمِينَ) (مؤمنون/40)، حرف جرّ «عَنْ» در چه معنایی به کار رفته است؟

الف) مجاوزه

ب) به معنای «بَعْدَ»

ج) دلالت بر معنای حرف جرّ «مِنْ»

د) معنای «عَوَضَ» یا «بَدَلَ»

معنای اصلی حرف جرّ "عَنْ" مجاوزه است که در لغت به معنای "از حد درگذشتن و از چیزی یا جایی عبور کردن" است. اما یکی از معانی **حرف جرّ "عَنْ" دلالت بر مفهوم واژه "بعد" است مانند آیه بالا**. زیرا معنای آیه این است که "گفت پس از گذشت زمانی اندک قطعاً آنان پشیمان خواهند شد".

25. در کدام گزینه، حرف جرّ «إِلَى»، به معنای انتهای غایت به کار رفته است؟

الف) (ثُمَّ أَيْمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ) (بقره/ 187)

ب) (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى) (اسراء/ 1)

ج) (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ) (مائده/ 6)

د) (إِنَّا رَأَوُوهُ إِلَيْنَا وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ) (قصص/ 7)

معنای اصلی حرف جرّ "إِلَى" انتهای غایت چه زمانی و چه مکانی است. اما در آیه گزینه "ج" **إِلَى** به معنای معیت است است و تأکید می کنند که حرف جرّ "إِلَى" به معنای "مع" است و بر مفهوم انتهای غایت دلالت نمی کند به این معنا که آیه هیچ سخنی در این باره نمی گوید که شستن دستها را هنگام وضو از سر انگشتان آغاز و به آرنج ختم کنید یا بر عکس بلکه صرفاً منظور آن است که شستن دستها در هنگام وضو باید با شستن آرنج همراه باشد و اگر آرنج شسته نشود، وضو به درستی صورت نگرفته است.

26. در آیه مبارک (لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ) (نحل/ 51)، ذکر صفت «إِثْنَيْنِ» چه تأثیر معنایی بر موصوف دارد؟

الف) تأکید مفهوم دوگانگی در واژه «إِلَهَيْنِ»

ب) بیانگر نوعی مدح، ذمّ یا ترجم

ج) تخصیص و کاستن از دایره مصداقی موصوف

د) توضیح حالتها و ویژگیهای موصوف

بااینکه الهین به معنای دو اله است اما اثنین براین معنا **تاکید** می کند و این معنا را در ذهن تثبیت می کند.

27. در کدام گزینه، نعت، شبه جمله است؟

الف) (وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى) (قصص/ 20)

ب) (إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (روم/ 37)

ج) (هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ) (حج/ 19)

د) (لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ) * **تَنْزِيلُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ** (واقعه/ 79، 80)

حالتهای ظور نعت : نعت مفرد یعنی جمله یا شبه جمله نباشد نعت جمله و نعت شبه جمله . گاه در زبان عربی ، نعت به شکل شبه جمله 0جارو مجرور یا ظرف (ظاهر می شود و آن هنگامی است که جارو مجرور و یا ظرف پس از اسم نکره قرار گیرند و یکی از حالتها و ویژگیهای آن را بیان کنند.

28. کدام گزینه، صحیح نیست؟

الف) جَاءَ الْمُعَلِّمُونَ الْعَالِمَ أَبَاءَهُمْ

ب) رَأَيْتُ الْوَلَدَ الذَّكِيَّةَ أُمَّهُ

ج) **دَهَبَتِ الطَّالِبَاتُ الْعَاقِلَاتُ أَسْتَاذَهُنَّ**

بانت نمونه سنوالات درسی

www.vuhadithbank.ir

(د) جَاءَ الطُّلَّابُ الْعَالِمَةَ أُمَّهَاتُهُمْ

نعت سببی : نعت سبب همواره برای اسم پس از خود که موصوف معنایی آن به شمار می آید " عامل " است . نعت سبب همیشه مفرد است (مثنی و جمع نیست) نعت سبب همیشه مفرد است یعنی جمله و شبه جمله نیست . اگر فاعل یا نایب فاعل پس از " عامل " بیان شوند " عامل " همواره مفرد است بر همین اساس تاکید می کنیم که **نعت سبب همیشه مفرد است** چه فاعل و نایب فاعل مفرد باشد یا مثنی و جمع. **با این تفاوت** که اگر معمول مذكر باشد عامل نیز مذكر می آید و اگر معمول مونث باشد عامل نیز بر طبق قاعده مونث است مانند جاء الرجل العالم ابوه . مفرد و مذكر بودن نعت سببی العالم به دلیل معمول آن ۱۰۰ است در جمله جاء الرجل العالمه امه مونث بودن **نعت سببی العالمه به دلیل ام** است.

29. در کدام گزینه، تأکید معنوی به کار رفته است؟

(الف) (فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) (انشراح/ 5 و 6)

(ب) (هَيَّاهُ هَيَّاهُ لِمَا تُوعَدُونَ) (مؤمنون/ 36)

(ج) (كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا) (فجر/ 21)

(د) (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ) (بقره/ 31)

تاکید معنوی نوعی تکرار واژه یا مفهوم به وسیله واژه ای ویژه است که مهم ترین آنها عبارت اند از : نفس – عین – کل – جمیع – عامة – اجمع – کلا و کلتا.

30. در آیه مبارک (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ) (بقره/ 217) نقش واژه «قتال» کدام است؟

(الف) عطف بیان

(ب) بدل جزء از کل

(ج) بدل اشتمال

(د) بدل مباین

بدل اشتمال بر خلا ف بدل مطابق و بدل جز از کل تابعی است که تمام یا جزئی از مبدل منه به شمار نمی رود بلکه تنها بیانگر یکی از خصوصیات و متعلقات آن است که مبدل منه بر آن اشتمال دارد .
قتال فيه نکره موصوفه است که بدل اشتمال برای الشهر به شمار می رود. (بدل اشتمال همراه ضمیر است)

31. در کدام گزینه، جمله بدل از مفرد قرار گرفته است؟

(الف) (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى **الْآلِ** كَيْفَ خُلِقَتْ) (غاشیه/ 17)

(ب) (وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (فرقان/ 68 و 69)

(ج) (أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ * أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَيْنٍ) (شعراء/ 132 و 133)

(د) (إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا * حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا) (نبأ/ 31 و 32)

حالت های بدل : اسم بدل از اسم – فعل بدل از فعل – جمله بدل از جمله – جمله بدل از مفرد. **كيف** خلقت بدل از **واژه مفرد** "الآل" است.

32. در آیه مبارک (ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ) (بقره/ 2)، نقش واژه «الكتاب» کدام است؟



الف) نعت حقیقی

ب) بدل کل از کل

ج) نعت سببی

د) عطف بیان

عطف بیان: مشهورتر از متبوع - جامد - اسم ظاهر - معمولاً می توان بدل کل از کل به شمار آورد. اسمهای ظاهر جامدی که پس از اسمهای اشاره و در مقام مشارالیه آنها می آیند مانند آیه شریف بالا عطف بیان هستند. واژه "الکتاب" اسم ظاهر جامدی است که مشارالیه واژه "ذلک" و عطف بیان آن به شمار میرود.

33. در آیه مبارک (وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُذًى) (سیأ/ 24)، حرف «أو» به چه معنا به کار رفته است؟

الف) ابهام

ب) اضراب

ج) شک و تردید

د) تخییر

"او" در زبان عربی کاربردهایی گوناگون دارد که از نظر مفهومی مهم ترین آنها در هنگام بروز شک و تردید، ابهام یا تخییر ملاحظه می شود. ما یا شما بر سبیل هدایت هستیم مفهوم مورد نظر در حاله ای از "ابهام" پیچیده شده است که ظاهر آن دال بر این است که ما عم نداریم که کدام یک از ما یا شما بر سبیل هدایت هستیم.

34. در کدام گزینه، حرف «أم» پس از همزه تسویه قرار گرفته است؟

الف) (هَلْ تَسْتَوِي الطُّلُمَاتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ) (رعد/ 16)

ب) (أَفَسِيحَرُّ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ) (طور/ 15)

ج) (سِوَاءَ عَلَيْهِمْ أُنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ) (بقره/ 6)

د) (أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ) (واقعه/ 59)

ام گاه مسبوق به همزه تسویه است که در این حالت به معنای "واو" مشارکت و گاه به معنای "اضراب" (عدول از چیزی) است. واژه سواء پیش از ا قرار گرفته است و ام پس از همزه تسویه قرار گرفته است.

35. نقش نحوی واژه «أحمد» در جمله: «جَاءَ عَلِيٌّ أَحْمَدٌ» چیست؟

الف) نعت حقیقی

ب) بدل کل از کل

ج) عطف بیان

د) معطوف

معنای لا در مقام حرف عطف تثبیت حکم جمله برای معطوف علیه و نفی آن از معطوف است مانند جمله بالا. این است که علی آمد نه احمد یعنی با حرف عطف گ لا" در حقیقت حکم جمله به معطوف علیه منحصر و از تسری آن به معطوف جلوگیری شده است. "لا" تنها در کلام مثبت به کار می رود. لا، لا، عطف است

36. در کدام گزینه، جمله ای که زیر آن خط کشیده، فاقد محل اعرابی است؟

الف) (وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ) (اعراف/ 117)

ب (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى) (نساء/ 43)

ج (هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ) (مرسلات/ 35)

د (وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ) (قارعه/ 3)

الق عصاک عطف بیان است، جمله تفسیریه است و جمله تفسیریه فاقد محل اعرابی است. اگر این جمله در متن آیه بیان نمی شد سخن مبهم و مجمل بود.